

بررسی ارتباط بین کارآفرینی، رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی

نسرین رستمی

دانشگاه گنبدکاووس، گنبدکاووس، ایران
Nasrinrostami@gmail.com

محسن محمدی خیاباره*

دانشگاه گنبدکاووس، گنبدکاووس، ایران
m.mohamadi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۰۳

تاریخ اصلاحات: ۱۳۹۷/۰۸/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۱۹

چکیده

کارآفرینی از عوامل اساسی رقابت و نوآوری در بین بنگاه‌ها و همچنین در صحنه ملی و بین‌المللی اقتصاد به حساب می‌آید. برای اینکه بتوان محیطی مساعد برای ترویج و توسعه کارآفرینی فراهم ساخت، باید بین ارکان رقابت‌پذیری و کارآفرینی تعامل برقرار کرد و از شرایط متقارن و متناسب رقابت‌پذیری با کارآفرینی، برای بهبود و اصلاح میزان تولید و اشتغال و در نتیجه افزایش رشد اقتصادی استفاده کرد. از این‌رو، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی اثرات متقابل رقابت‌پذیری و کارآفرینی است که در نهایت این فرایند منجر به رشد اقتصادی می‌گردد. روش پژوهش مورد استفاده در این مقاله روش پژوهش بصورت تحلیل توصیفی است و از طریق جمع‌آوری منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است. این مقاله در چند بخش ساختار بندی شده است که در ابتدا مقدمه آورده شده و در ادامه به مفهوم رقابت‌پذیری و همچنین ارتباط سه مؤلفه‌ی رقابت‌پذیری، کارآفرینی و رشد اقتصادی پرداخته می‌شود. در انتها نیز پیشینه‌ی تجربی این مطالعه آورده شده است. با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش، رقابت‌پذیری به‌عنوان عامل مهمی در تشخیص شرایط توسعه و محدودیت‌های فعالیت‌های کارآفرینی قابل درک است و در نهایت اثرات متقابل رقابت‌پذیری و کارآفرینی بر رشد اقتصادی مؤثر است.

واژگان کلیدی

رقابت‌پذیری؛ توسعه کارآفرینی؛ توسعه بازار مالی؛ نهادها؛ نوآوری؛ محیط اقتصاد کلان.

۱- مقدمه

می‌تواند به‌طور بالقوه با میزان فعالیت کارآفرینی در یک کشور توضیح داده شود. ادبیات موجود بیانگر این است که کارآفرینی با معرفی نوآوری، ایجاد تغییرات بازاری، افزایش رقابت‌پذیری و ایجاد رقابت در عملکرد اقتصادی یک کشور ارتباط تنگاتنگی دارد [۸]. همچنین در برخی کشورها رکود اقتصادی و افزایش قابل‌ملاحظه بیکاری نتیجه‌ای از بحران مالی اخیر است و کارآفرینی سهم قابل‌توجهی در فرایند تولید مداوم اقتصادهای ملی دارد و از طرفی موجب کاهش بیکاری می‌گردد که در بهبود وضعیت اشتغال مؤثر است. همچنین مطالعات متعدد نشان می‌دهد که کارآفرینی نقش مهمی در توسعه‌ی اقتصادی یک کشور یا منطقه ایفا می‌کند و همبستگی بین فعالیت‌های کارآفرینانه و رشد اقتصادی مورد تجزیه‌وتحلیل قرار می‌گیرد. در این بین نگرانی محققان و همچنین تصمیم‌گیرندگان در سطوح مختلف در بررسی عوامل با تأثیر بالقوه بر کارآفرینی است [۹، ۱۰].

شاخص رقابت‌پذیری یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی در طبقه‌بندی کشورها از لحاظ توسعه‌یافتگی رشد اقتصادی هست و میزان رقابت و قدرت اقتصادی یک کشور براساس این شاخص مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و معمولاً با افزایش در بهره‌وری عوامل تولید و یا با به‌کارگیری ظرفیت‌های احتمالی خالی در اقتصاد این متغیر افزایش می‌یابد. اصطلاح رقابت‌پذیری از اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ تا به امروز همواره در

دیدگاه نوین اقتصادی در سال‌های اخیر، به سمت نقش کارآفرینی در توسعه اقتصادی است [۵] و رقابت‌پذیری مجموعه عوامل کمی و کیفی است طوری که توانایی فروش در بازارهای بین‌المللی و رقابت مؤثر در سطح جهانی را اندازه‌گیری می‌کند، آن‌گونه که به‌عنوان یک مفهوم چندبعدی قابل طرح هست [۶]. در واقع رقابت‌پذیری با فراهم‌سازی فضای چندبعدی و عوامل زیرمجموعه‌ای (ارکان رقابت‌پذیری) مرتبط با رقابت و اقتصاد یک کشور، در ایجاد محیطی متناسب و منعطف با کارآفرینی نقش ویژه‌ای خواهد داشت.

با توجه به اهمیت تحقق کارآفرینی^۱، دولت‌های سراسر جهان سیاست‌های گوناگونی را برای ارتقای رقابت‌پذیری^۲ به‌کار بسته‌اند و تمرکز خود را بر روی عواملی مانند رژیم‌های مناسب مالیات، یارانه، رشد و سرمایه‌گذاری، نوآوری^۳ یا قوانین تجاری ساده برای کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، گذاشته‌اند [۷]. علاوه بر این، رشد اقتصادی ناشی از رقابت‌پذیری

* نویسنده مسئول

1. Entrepreneurship
2. Competitiveness
3. Innovation

توسط مجمع جهانی اقتصاد^۳ (WEF) و کارآفرینی هست. با توجه به هدف اصلی پژوهش و همچنین اهمیت سیاست‌های دولت در توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه و ایجاد محیط کسب‌وکار مناسب، پرسش اصلی که به ذهن متبادر می‌شود این است که تأثیر ارکان رقابت‌پذیری بر مشارکت در کارآفرینی چگونه است و همچنین ماهیت کارآفرینی چگونه می‌تواند بر شرایط رقابت‌پذیری مؤثر باشد و در نهایت این فرایند بتواند منجر به رشد اقتصادی گردد. علاوه بر این، نتایج این مطالعه می‌تواند در نحوه سیاست‌گذاری دولت‌ها برای ترغیب فعالیت‌های کارآفرینی کمک‌کننده باشد. همچنین کارآفرینان با آگاهی از مزایای رقابتی کشورها، می‌توانند در انتخاب کسب‌وکار خود و توسعه آن با کارایی بیشتری عمل نمایند.

۱-۱- اهمیت پژوهش

تعاملی نزدیک و پیوسته میان رقابت‌پذیری و کارآفرینی برقرار است. این تعامل موجب تقویت و افزایش کارآفرینی و همچنین بهره‌وری بیشتر می‌گردد. رقابت‌پذیری تأثیر مهمی بر شرایط محیط کسب‌وکار از بعد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارد و زمینه را برای ایجاد فرصت‌های کارآفرینی فراهم می‌سازد. درک تأثیر هر یک از ارکان رقابت‌پذیری بر کارآفرینی به سبب کشف فرصت‌ها و رفع موانع کارآفرینی ضرورت و اهمیت پژوهش را نشان خواهد داد. از طرفی تأثیر و نقش هر کدام از ارکان رقابت‌پذیری بر عملکرد کارآفرینی اهمیت دارد. در نهایت توسعه‌ی رقابت‌پذیری و کارآفرینی به تولید، بهره‌وری و رشد اقتصادی منتهی می‌گردد.

۲-۱- سؤالات پژوهش

سؤالاتی که در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به آن هستیم به‌صورت زیر است.

- ۱- مفهوم رقابت‌پذیری چیست؟
- ۲- چگونه ارکان رقابت‌پذیری بر عملکرد کارآفرینی در یک کشور تأثیر می‌گذارد؟
- ۳- ارتباط بین ارکان رقابت‌پذیری، کارآفرینی و رشد اقتصادی به چه صورت است؟

۳-۱- اهداف پژوهش

هدف اصلی این مطالعه بررسی تأثیرات متقابل رقابت‌پذیری و کارآفرینی و اثر آن‌ها بر رشد اقتصادی هست. برای دستیابی به هدف اصلی پژوهش اهدافی فرعی وجود دارند که در این بخش عنوان می‌گردد:

- ۱- بررسی اثر شاخص رقابت‌پذیری بر فعالیت‌های کارآفرینی.
- ۲- تأثیر هر کدام از ارکان رقابت‌پذیری بر عملکرد کارآفرینی چگونه ظاهر می‌گردد و توسعه یا محدودیت هر رکن چگونه با توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه ارتباط پیدا می‌کند.
- ۳- بررسی ارتباط بین رقابت‌پذیری، کارآفرینی و رشد اقتصادی.

کانون تمرکز مباحث سیاستی قرار داشته است [۱۱، ۱۲]. پیشرفت‌های فنی در تولید و سرمایه‌گذاری، در تقویت و کارایی منابع انسانی به‌منظور رقابت‌پذیری مداوم بسیار مؤثر است. این موضوع تا آنجا اهمیت پیدا کرد که براساس نتایج به‌عمل آمده از تحقیقات عده‌ای کثیر از اقتصاددانان تفاوت نرخ رشد اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته را ناشی از تفاوت سطح کارآفرینی آن‌ها بیان کردند. در واقع سطوح بهره‌وری بالا، حاکی از نرخ بازده بالا بوده و این نرخ یکی از عوامل اصلی نرخ رشد بالای اقتصاد هست [۱۳].

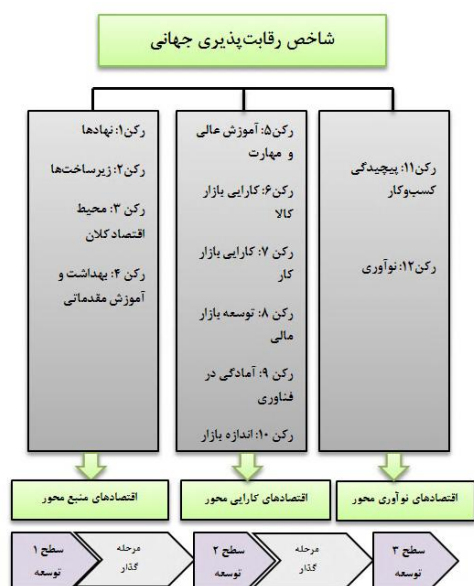
بررسی عوامل مؤثر در رشد به پیدایش نظریاتی منجر شد که امروزه به‌عنوان مدل‌های رشد درون‌زا مشهور است. در تعدادی از مطالعات، رشد بلندمدت با تمرکز بر روی پیشرفت فناوریانه و پژوهش و توسعه توضیح داده شده است [۱۴، ۱۵، ۱۶]. در سال ۱۹۷۰ به بعد یک متغیر اقتصادی که سال‌ها از آن غفلت شده بود در مدل‌های مربوط به رشد قرار گرفت و آن کارآفرینی بود که به عقیده شومپتر^۱ و بامول^۲ به‌صورت نوآوری و رقابت‌پذیری بیان می‌شود و زمانی که شرایط برای کارآفرینی مهیا شود کارآفرین از طریق نوآوری و تنوع منابع و اختراع و رقابت‌پذیری بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد. بنابراین کارآفرینان پیشگامان تغییر در اقتصاد بوده‌اند لذا کارآفرینی یکی از مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار اقتصادی است که سبب پیدایش محصولات، خدمات، روش‌ها، سیاست‌ها، راهکارهای نو برای حل مشکلات جامعه می‌شود. کارآفرینی برای سالیان بسیار جایگاهی در تحقیقات اقتصادی مربوط به رشد اقتصادی نداشت اگرچه مقالات بسیاری به‌صورت تئوریک در مورد تأثیر کارآفرینی بر اقتصاد نوشته می‌شد [۱۲، ۱۷]. با عنایت به نقش تولید و رشد اقتصادی در ارتقای سطح زندگی انسان‌ها، نظریه‌پردازان طی دهه‌های اخیر به نقش کارآفرینی در تولید و رشد متمرکز شدند و آن را به‌عنوان موتور رشد و توسعه معرفی کردند به‌طوری‌که کارآفرینی اولین بار مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفت و تمامی مکاتب اقتصادی از قرن شانزدهم میلادی تاکنون به نحوی کارآفرین را در نظریه‌های اقتصادی خود تشریح نمودند. همچنین، رابطه بین کارآفرینی، توزیع درآمد و رشد اقتصادی توسط تعدادی از محققان با استفاده از داده‌های GEM (دیده‌بان جهانی کارآفرینی) انجام گرفته است [۱۳]. درخصوص نقش کارآفرینی در رشد اقتصادی هولوکمپ اذعان می‌دارد که کارآفرینی موتور رشد اقتصادی است [۱۸]. کارآفرینی می‌تواند عملکرد اقتصادی را تقویت کند، زیرا کارآفرینان بیشتر، رقابت بیشتری را ایجاد می‌کنند، که در این صورت بهره‌وری و کارایی را افزایش داده است و موجب تشویق به نوآوری می‌گردد و این، به‌نوبه خود، باعث رشد اقتصادی بیشتری می‌شود [۱۹، ۲۰]. در ادبیات موجود کارآفرینی، تحقیقات زیادی درخصوص اثرات متقابل بین رقابت‌پذیری و کارآفرینی، تا به حال انجام نگرفته است. به همین دلیل، هدف اصلی مطالعه حاضر، بررسی اثر بین ارکان رقابت‌پذیری محاسبه‌شده

۲- مبانی نظری

۲-۱- مفهوم رقابت‌پذیری

برای بررسی ماهیت و مفهوم رقابت‌پذیری، سازمان‌های بنیاد مدیریت توسعه^۱ و مجمع جهانی اقتصاد^۲ به سنجش مفهوم رقابت‌پذیری در سطح کلان می‌پردازند و رویکرد خرد در مفهوم رقابت‌پذیری نیز توسط سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^۳ به کار گرفته شده است. هر کدام از سازمان‌های فوق به تعاریفی از رقابت‌پذیری پرداخته‌اند. بنیاد مدیریت توسعه در تعریف خود بیان می‌کند رقابت‌پذیری حوزه‌ای از اقتصاد دانایی است که به تحلیل عوامل و سیاست‌ها پرداخته که این امر شکل‌دهنده توان ملل در ایجاد و نگهداری محیط کسب‌وکار بوده و منجر به ایجاد ارزش افزوده بیشتر در محیط کسب‌وکار و افزایش تولید ملی می‌گردد. شاخص رقابت‌پذیری معرفی شده از سوی مجمع جهانی اقتصاد براساس مجموعه‌ای از نهادها، سیاست‌ها و عواملی است که سطح بهره‌وری یک کشور را تعیین می‌کنند. همچنین سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه رقابت‌پذیری به صورت سطحی از تولید کالا و خدمات کشور که در شرایط بازار آزاد بتواند تقاضای بازارهای جهانی را جذب کند و سطوح مختلف این تقاضا را برآورده سازد و در عین حال به این وسیله درآمد واقعی شهروندان را در بلندمدت افزایش دهد، تعریف می‌کند [۲۱]. در تعریفی دیگر، شاخص رقابت‌پذیری یک کشور مجموعه‌ای از ۱۲ رکن است که به سه گروه تقسیم شده است. گروه اول مربوط به الزامات اساسی شامل نهادها، زیرساخت‌ها، ثبات اقتصاد کلان، بهداشت و آموزش ابتدایی است. گروه دوم نشان‌دهنده عوامل و منابع کارایی، شامل آموزش عالی، کارایی بازار کالا، کارایی بازار کار، توسعه‌ی بازار مالی، آمادگی فناوریانه، اندازه بازار و پیچیدگی کسب‌وکار است و نهایتاً گروه سوم شامل، نوآوری و عوامل پیچیدگی کسب‌وکار است [۲۲].

بر مبنای تئوری‌های اقتصادی شناخته شده در زمینه مراحل توسعه اقتصادی، مطابق با فروض شاخص رقابت‌پذیری جهانی، در اولین مرحله توسعه، اقتصادها منبع‌محور هستند و کشورها در این مرحله از توسعه عمدتاً براساس نیروی کار غیرماهر و منابع طبیعی باهم رقابت می‌نمایند. در مرحله دوم توسعه، رقابت عمدتاً منوط به عملکرد مناسب نهادهای خصوصی و دولتی است. به تبع رقابتی شدن یک کشور، بهره‌وری آن افزایش می‌یابد و باید توسعه فرایند تولید کارآمد را شروع و کیفیت تولیدات خود را افزایش دهند. زیرا آن‌ها نمی‌توانند متناسب با بالارفتن دستمزدها، قیمت‌ها را افزایش دهند. نهایتاً با حرکت کشورها به سمت مرحله نوآوری و در نتیجه حفظ استاندارد بالای زندگی باید بتوانند از بالاترین سطح توسعه فرایند تولید از طریق نوآوری و تولیدات جدید استفاده نمایند.



شکل ۱- گروه‌بندی ارکان مختلف شاخص رقابت‌پذیری جهانی^۴ (GCI)
منبع: گزارش مجمع جهانی اقتصاد

با توجه به شکل ۱، ارکان رقابت‌پذیری در سه گروه دسته‌بندی شده‌اند و هر گروه برای یک مرحله خاص از توسعه ضروری است و گروه‌بندی ارکان با توجه به مراحل مختلف توسعه اقتصادی می‌باشد. هر رکن نیز در برگزیده زیر شاخص‌هایی است که ارکان براساس آن اندازه‌گیری و رتبه‌بندی می‌شوند. در ادامه ارکان رقابت‌پذیری به صورت مختصر شرح داده شده و ارتباط آنها با رشد اقتصادی و رقابت‌پذیری بیان می‌گردد.

۲-۲- رقابت‌پذیری، کارآفرینی و رشد اقتصادی

سطح رقابت‌پذیری یک کشور، یک عامل مهم برای استاندارد زندگی و رفاه اقتصادی در آن کشور و همچنین عاملی تأثیرگذار در روند رشد اقتصادی کشورهاست. در ادامه تأثیر هر یک از ارکان رقابت‌پذیری بر کارآفرینی و رشد اقتصادی به اختصار تشریح می‌گردد.

رکن اول: نهادها

امروزه اهمیت وجود محیط نهادی سالم در شرایط بروز رکود اقتصادی که موجب افزایش فزاینده نقش دولت در بسیاری از کشورهای دنیا می‌شود، ملموس‌تر و آشکارتر گردیده است. بهره‌برداری از فرصت‌های کسب‌وکار برای کارآفرینان بستگی به محیط سازمانی دارد، همچنین کیفیت مؤسسات به شدت تحت تأثیر رقابت و رشد است [۲۳، ۲۴]. در واقع کیفیت نهادها در یک کشور که از طریق چارچوب قانونی و اداری تعیین می‌گردد، یکی از عوامل کلیدی در روند رشد اقتصادی کشورها محسوب می‌شود [۲۵، ۲۶، ۲۷]. به علاوه کیفیت نهادها ارتباط تنگاتنگی با رقابت‌پذیری و رشد

4. Global Competitiveness Index

1. Institute of Management Development (IMD)
2. World Economic Forum
3. OECD

رکن چهارم: بهداشت و آموزش ابتدایی

نیروی کار سالم برای بهره‌وری و رقابت‌پذیری یک کشور بسیار حیاتی است. بنابراین سرمایه‌گذاری در زمینه بهداشت و خدمات بهداشتی از ملزومات داشتن یک اقتصاد سالم به حساب می‌آید [۳۶]. اهمیت اساسی بهداشت و آموزش‌یافتگی یک کشور در رقابت و موفقیت، زمانی مورد انتظار است که ارتباط مثبتی با کارآفرینی داشته باشد [۳۹]. از این‌رو، سرمایه‌گذاری در ارائه‌ی خدمات بهداشتی، یکی از عوامل مهم برای توسعه و رشد اقتصادی است [۳۹]. سلامت شاغلین در هریک از فعالیت‌های اقتصادی عامل مؤثری در بهره‌وری و رقابت‌پذیری است. کمیت و کیفیت آموزش ابتدایی و پایه، کارایی نیروی کار را افزایش می‌دهد و در طراحی و اجرای نوآوری‌ها نقش دارد که این نوآوری‌ها در نهایت به افزایش زنجیره ارزش از طریق تولید محصولات پیچیده‌تر و با ارزش‌افزوده بالاتر منتهی می‌گردد [۲۳].

رکن پنجم: آموزش عالی

آموزش عالی برای اقتصادهایی ضروری است که می‌خواهند زنجیره‌ی ارزش را فراتر از فرایندهای تولید و محصولات ساده گسترش دهند [۴۰، ۴۱، ۴۲]. سطح بالایی از آموزش عالی باعث می‌شود اقتصادها رقابتی‌تر شوند. نیروی کار رقابتی با کارآفرینی همبستگی مثبت دارد. محققانی مانند رینولدز [۴۳] نتیجه می‌گیرند که سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در آموزش عالی، معیاری جدید از نرخ تشکیل بنگاه است. آموزش به معنای وسیع برای تحریک کارآفرینی از جنبه‌های مختلف مورد اهمیت است. میزان ثبت‌نام دوره‌های آموزشی متوسطه و دانشگاهی و همچنین کیفیت آموزش عالی نیز از جمله عوامل کلیدی در افزایش و تقویت زنجیره ارزش در اقتصاد می‌باشد [۴۴]. که امروزه کارآفرینی برای رشد اقتصادی ضرورتی انکارناپذیر است. اگر کارآفرینان بیشتری در اقتصاد وجود داشته باشند، اقتصاد سریع‌تر رشد خواهد کرد [۴۵، ۴۶]. در این بین آموزش افراد تحصیل کرده و آموزش مهارت‌های لازم کارآفرینی می‌تواند بر تعداد بیشتر کارآفرینان و در نتیجه رشد اقتصادی نیز مؤثر باشد.

رکن ششم: کارایی بازار کالا

با توجه به ادبیات موجود کارآفرینی، دیدگاه‌های متفاوتی راجع به رابطه بین کارایی بازار کالا و فعالیت‌های کارآفرینی وجود دارد، با وجود این، رابطه‌ی نسبی به سایر عوامل مهم دیگر که بر کارآفرینی و رقابت‌پذیری تأثیر می‌گذارند بستگی دارد. از یک‌سو استدلال می‌شود که وقتی که بازارها کارآمد و در تعادل هستند، کارآفرینی برای توسعه‌ی فناوری‌های جدید، بیرون‌راندن شرکت‌های غیرفعال از بازار و ایجاد رشد اقتصادی تحریک می‌شود [۴۷]. از سوی دیگر، کارآفرینان زمانی به صورت موفق عمل می‌کنند که نقایص بازار و عدم تعادل در بازار وجود داشته باشد [۳۵] که در این صورت فرصت‌های قابل توجهی برای ایجاد فناوری‌های پیشرفته و مدل‌های تجاری نوآورانه ایجاد می‌شود. کارایی بازار کالا در ارتباط با تولید و ترکیب مناسبی از کالاها و خدمات با توجه به شرایط خاص عرضه و تقاضا در کشور و همچنین در ارتباط با اثربخشی تجارت با این کالاها می‌باشد

اقتصادی دارد و می‌تواند بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاری و سازمان‌دهی تولید تأثیرگذار باشد [۲۸]. قوانین اضافی، فساد، رشوه و سوءاستفاده از قراردادهای عمومی، فقدان شفافیت و قابلیت اعتماد و عدم استقلال سیاسی سیستم قضایی؛ هزینه‌های اقتصادی معناداری را به فعالان اقتصادی تحمیل کرده و فرایند توسعه اقتصادی را کند می‌کند [۲۹].

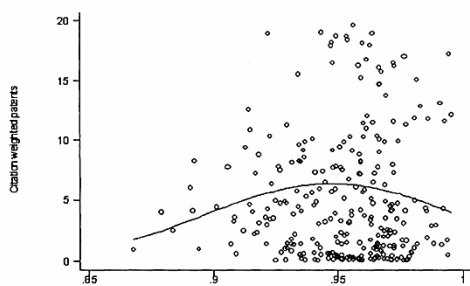
رکن دوم: زیرساخت

وجود زیرساخت‌های مناسب و توسعه‌یافته عاملی مهم در روند رشد انگیزه و فعالیت‌های کارآفرینانه است. گذشته از این، کیفیت و گستردگی شبکه زیرساخت‌ها به‌طور معناداری بر رشد اقتصادی اثرگذار است و رشد اقتصادی نیز بر کاهش نابرابری درآمدی و رفع فقر تأثیرگذار است [۳۰]. همچنین، شبکه زیرساخت حمل‌ونقل و ارتباطات توسعه‌یافته، پیش‌نیازی برای ارائه و توزیع محصولات به بازارهای مصرف است که در این صورت برای کارآفرینان نیز فرصت‌هایی را فراهم می‌سازد، همچنین از آنجا که کارآفرینان در پی شناسایی و بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی هستند، انتظار می‌رود که زمانی که هنوز یک زیرساخت قوی وجود ندارد، فرصت‌ها کارآفرینی زیادی در زمینه ارائه زیرساخت‌ها در دسترس کارآفرینان باشد [۳۱]. کیفیت و گستردگی شبکه‌های زیرساخت، بازار ملی را یکپارچه می‌سازد و با هزینه پایین بازارهای دیگر کشورها به هم متصل می‌سازد، کسب‌وکارها را قادر می‌سازد تا کالا و خدمات خود را در شرایطی ایمن و به‌موقع به بازار انتقال دهد، جریان اطاعات سریع و ارزان را ممکن می‌سازد و تحرک نیروی کار را تسهیل می‌کند. تأثیر شبکه‌های زیرساخت بر رشد اقتصادی توسط محققانی مانند [۳۲، ۳۳] به اثبات رسیده است؛ و در مسیر رشد اقتصادی، مناطقی که رقابت‌پذیری کمتری دارند با افزایش دانش زیرساخت‌ها در تلاش برای جذب فناوری تولید در حد متوسط و خدمات با فناوری بالا هستند [۳۴].

رکن سوم: محیط اقتصاد کلان

ثبات در محیط کلان اقتصاد برای تجارت و نیز برای رقابت‌پذیری یک کشور حائز اهمیت است [۳۵]. کسری مالی جاری، توانایی‌های آینده دولت برای واکنش به چرخه‌های تجاری را محدود می‌کند. زمانی که نرخ تورم خارج از کنترل باشد، بنگاه‌ها نمی‌توانند به‌صورت کارا عمل نمایند. در مجموع می‌توان گفت اقتصاد نمی‌تواند به‌خوبی رشد کند مگر اینکه محیط کلان اقتصاد باثبات باشد. اگرچه تحقیقات موجود نتیجه گرفته‌اند که تأثیر ثبات اقتصاد کلان در بهره‌وری و رشد ضعیف است، با وجود این، شواهدی روشن درخصوص اثرات ثبات اقتصاد کلان بر فعالیت اقتصادی در کوتاه‌مدت وجود دارد [۳۶]. به‌عنوان مثال، در تعدادی از مطالعات اثرات سطوح پایین و متوسط تورم بررسی شده است. ثبات محیط کلان اقتصادی، عامل مهم و مؤثری در رشد و رقابت‌پذیری است و بی‌ثباتی در محیط کلان سبب ایجاد هزینه و عدم بهره‌برداری کامل از ظرفیت‌های اقتصاد می‌گردد [۳۷، ۳۸].

کنند. با حضور خوشه‌های صنعتی، میزان دسترسی به فناوری و کارایی بیشتر می‌شود [۵۵]. مطالعات پیشین در خصوص گسترش فناوری در ترکیب با نوآوری و رقابت‌پذیری به یک منحنی U-شکل وارونه، منجر شده است [۵۶]. این منحنی در شکل زیر نشان داده شده است.



نمودار ۱- نمودار U- معکوس نوآوری و رقابت

داشتن آمادگی فنی و فناوری بالاتر موجب رقابت‌پذیری بیشتر یک اقتصاد می‌گردد و در ضمن موجب شکل‌گیری فعالیت‌های کارآفرینانه بالاتر و رشد اقتصادی بیشتر می‌شود. به‌منظور ایجاد رفاه و رونق اقتصادی، چابکی در اتخاذ فناوری موجود برای افزایش بهره‌وری صنایع دارای اهمیت زیاد است [۴۸]. امروزه، فناوری عنصر مهم رقابت و موفقیت بنگاه‌ها به‌شمار می‌رود. با وجود این، ارتقای توانایی بنگاه‌ها در جهت به‌کارگیری فناوری‌های جدید امری است که به مراتب از اهمیت بالایی برخوردار است.

رکن دهم: اندازه‌ی بازار

افزایش در اندازه‌ی بازار داخلی می‌تواند تأثیر مثبت یا منفی بر سود شرکت‌ها و تصمیم کارآفرینان (بالقوه) در مورد اینکه آیا شروع کسب‌وکار جدید امکان‌پذیر است یا نه دارد. اثرات مثبت ناشی از اثر خارجی بر رشد بازار در تعدادی از مطالعات ارائه شده است. دیگر اثرات مثبت افزایش در اندازه بازار می‌تواند این باشد که اندازه بازار بزرگ‌تر موجب خلق فرصت‌های بیشتر برای کارآفرینان می‌شود. به‌طور کلی هنگامی که اندازه‌ی بازار افزایش می‌یابد تأثیر مثبتی بر رشد فعالیت‌های کارآفرینانه دارد [۵۷].

از سوی دیگر، یک اثر منفی ناشی از عواقب جانبی اقتصادی رقابت بین شرکت‌ها وجود دارد. هنگامی که اندازه بنگاه افزایش یابد، بنگاه‌های کوچک‌تر با بنگاه‌هایی که بخش بزرگ‌تری از سهم بازار را دارند، رقابت خواهند کرد. از آنجایی که سطح بالاتری از رقابت وجود دارد، بنگاه‌ها باید به کارمندان خود دستمزد بیشتر بپردازند تا به‌عنوان مثال برای آن‌ها رضایت‌بخش باشد و شانس انتقال کارکنان به رقیب افزایش نیابد. اگر اثرات مثبت بر منفی، چیره گردد، کارآفرینان یک شرکت جدید را در یک بازار بزرگ ایجاد می‌کنند و شاخص فعالیت کارآفرینی افزایش می‌یابد [۵۸]. اندازه بازار به‌عنوان موهبتی برای یک اقتصاد، از طریق ایجاد فرصت‌هایی برای دستیابی به صرفه‌های اقتصادی مقیاس، بر بهره‌وری تأثیر می‌گذارد. در گذشته، اندازه بازار محدود به بازار داخلی بود اما با نیل به‌سوی جهانی شدن، اندازه بازار افزایش یافته و اثر مثبت تجارت بر رشد اقتصادی در بسیاری از مطالعات تأیید شده است.

[۲۳]. بهترین شرایط محیطی برای مبادله‌ی کالاها، مستلزم سطح بالایی از رقابت در بازار و حداقل مداخله دولت است [۴۸]. شواهدی از رابطه مثبت بین بازبودن تجاری و رشد و رفاه اقتصادی توسط چندین محقق یافت شده است [۴۹، ۵۰، ۵۱]. همچنین، تأثیر مثبت تجارت در انتقال دانش و نوآوری بنگاه در یک کشور، به اثبات رسیده است [۵۲].

رکن هفتم: کارایی بازار کار

بازار کار باید انعطاف‌پذیری را در جابه‌جایی نیروی کار از یک فعالیت اقتصادی به سمت فعالیت دیگر، با سرعت و با هزینه‌ی کم داشته باشد [۵۳، ۵۴]. کارایی و انعطاف‌پذیری بازار کار برای اطمینان از این است که نیروهای کار به‌صورت کارآمد تخصیص یافته‌اند و انگیزه‌های لازم برای رسیدن به بالاترین بازدهی وجود دارد. بازارهای کارآمد، انگیزه‌های قوی برای کارکنان ایجاد و تلاش برای ارتقای شایستگی در محل کار را تضمین می‌کنند [۵۵]. لذا با این اوصاف می‌توان انتظار داشت که کارایی بازار کار باعث افزایش رشد اقتصادی گردد. همچنین انتظار می‌رود که کارآفرینی یک رابطه‌ی منفی با کارایی بازار کار و رقابت‌پذیری داشته باشد، این پدیده، زمانی اتفاق می‌افتد که تحرک شغلی بالا وجود داشته باشد که خود باعث می‌گردد به سرعت بالایی جذب بنگاه‌های کسب‌وکار تثبیت‌شده گردند و بدین ترتیب، کارآفرینان تازه‌کار بخش بزرگی از فرصت‌های بالقوه را از دست می‌دهند.

رکن هشتم: توسعه‌ی بازار مالی

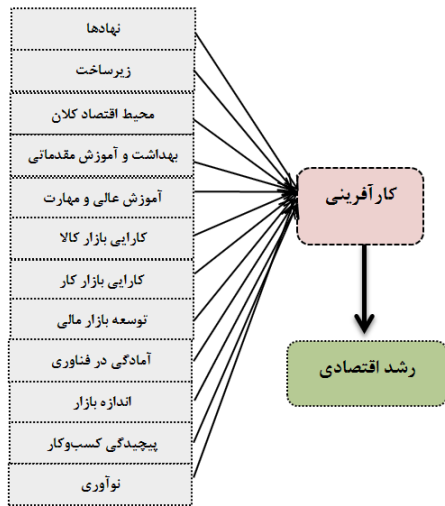
سیستم‌های مالی پیشرفته و توسعه‌یافته از چهار طریق منجر به بهبود فعالیت‌های کارآفرینانه می‌شوند. اولاً، سیستم‌های مالی توسعه‌یافته، همیشه کارآفرینان آینده را مشخص و پروژه‌هایی با بازدهی بالا را انتخاب می‌کنند. دوم، سیستم مالی کارا، بسیج‌کننده منابع برای تأمین مالی پروژه‌های سودآور است. روش‌های متفاوت تأمین مالی فعالیت‌های کارآفرینانه، عبارتند از: وام‌های بانکی، سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر یا فرشتگان کسب‌وکار، پول از طریق صندوق تأمین وجه و یا استفاده از وجوه نقدی دوستان، خانواده و آشنایان خانوادگی^۱. سوم، سیستم‌های مالی به سرمایه‌گذاران جرأت می‌دهد تا ریسک‌های متنوع مربوط به فعالیت‌های نوآورانه نامطمئن را امتحان کنند. چهارم، سیستم‌های مالی کارا نشان می‌دهند که پاداش بالقوه برای مشارکت و ایجاد نوآوری‌ها است نه در ادامه‌ی ساخت محصولات موجود با تکنیک‌های پیشین. بدین ترتیب، یک سیستم مالی پیشرفته، با انتخاب کارآفرینان و پروژه‌هایی با کیفیت بالاتر و با تأمین مؤثرتر منابع مالی خارجی برای این کارآفرینان و نیز با فراهم کردن وسایل نقلیه برتر برای تنوع ریسک فعالیت‌های نوآورانه، سود بالقوه همراه با کسب‌وکار نوآورانه را موجب می‌شود [۴۷].

رکن نهم: آمادگی در فناوری

برای کارآفرینان، دستیابی به فناوری بسیار مهم است زیرا موجب کاهش هزینه‌ها می‌شود و کارآفرینان می‌توانند بر مدل اصلی کسب‌وکار تمرکز

1. Fools

بهبود بخشند، اهمیت دارد [۱۴]. در شکل ۲، تأثیرات ارکان ۱۲ گانه‌ی رقابت‌پذیری بر توسعه کارآفرینی نشان داده شده است.



شکل ۲- اثرات ارکان رقابت‌پذیری بر توسعه کارآفرینی
منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که در مطالعات نظری مشخص است، شاخص رقابت‌پذیری جهانی شامل ۱۲ رکن است که هرکدام از این ارکان دارای خصوصیات خاص خود هستند و هر یک نیز بر شاخص کلی رقابت‌پذیری مؤثر است. در شکل ۳ این ارکان و میزان اثر آن‌ها به صورت نمادین و با رنگ‌های متفاوت نشان داده شده است.



شکل ۳- خصوصیات اصلی هریک از ارکان شاخص کلی رقابت‌پذیری
منبع: گزارش مجمع جهانی اقتصاد

۱۳- روش پژوهش

روش‌شناسی مورد مطالعه در این پژوهش تحلیل توصیفی به صورت گزارش‌نویسی کیفی است. تحقیق توصیفی برای توصیف کردن خصوصیات پدیده‌ی مورد مطالعه به کار می‌رود و به سؤالاتی مانند چگونه، چه زمانی و چرا این خصوصیات اتفاق افتاد، پاسخ نمی‌دهد، بلکه به چیستی پدیده می‌پردازد. این مطالعه به طور عمده مبتنی بر گردآوری مطالب از طریق

رکن یازدهم: پیچیدگی کسب‌وکار

پیشرفته‌بودن بنگاه‌های تجاری به کیفیت شبکه‌های تجاری و نیز کیفیت راهبردها و عملکردهای بنگاه‌ها بستگی دارد. مهارت‌ها و توانایی‌های کارآفرینان و همچنین شرایط سرمایه‌گذاری در یک کشور و کمیت و کیفیت شرکای محلی و تعاملات آن‌ها، در این رکن مدنظر قرار می‌گیرد. بسیاری از مطالعات شامل مهارت‌های فردی یک کارآفرین و توانایی‌های آن در شناخت فرصت‌های کارآفرینی است [۴۷، ۵۹]. پیچیدگی کسب‌وکار به احتمال زیاد در اقتصادهای پیشرفته‌ای اتفاق می‌افتد که در آن بهبود بهره‌وری از قبل مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. اقتصادهای توسعه‌نیافته به احتمال زیاد سطح بالایی از پیچیدگی را ندارند. پیچیدگی کسب‌وکار به دلیل افزایش کارایی، باعث افزایش بهره‌وری می‌شود؛ فرصت‌های بیشتر برای نوآوری در فرایندها و محصولات ایجاد می‌کند و سبب کاهش موانع ورود برای بنگاه‌های جدید می‌شود [۶۰]. علاوه بر این، عملیات و راهبردهای پیشرفته بنگاه‌ها در اقتصاد سرریز می‌شود و منجر به فرایندهای کسب‌وکار پیچیده و مدرن در میان بخش‌های بازرگانی کشور می‌گردد که در افزایش بهره‌وری نقش دارد [۶۱].

رکن دوازدهم: نوآوری

کارآفرینی و نوآوری دو مفهوم است که اغلب باهم مرتبط هستند، بعضی افراد کارآفرینان را به‌عنوان نوآورترین افراد در اقتصادها می‌بینند. با این‌حال، بسیاری از نوآوری‌ها در بخش‌های تحقیق و توسعه تولید می‌شوند. کارآفرینی فرایندی مدیریتی برای ایجاد و مدیریت نوآوری است که یک پیشران مهم نیز برای نوسازی و رشد منطقه‌ای هست [۶۲، ۶۳]. در واقع کسب‌وکارهای کوچک و متوسط خلاقانه و با ابتکارات نوآورانه نقش مهمی در توسعه و رشد اقتصادی بازی می‌کنند [۶۴]. نوآوری می‌تواند از دانش فنی جدید و غیرفنی پدید آید. نوآوری‌های غیرفناورانه با دانش، مهارت‌ها و شرایط کاری که در سازمان‌ها تعبیه شده‌اند، به‌شدت مرتبط هستند. گرچه می‌توان از طریق بهبود نهادها، ایجاد زیرساخت‌ها، کاهش بی‌ثباتی محیط اقتصاد کلان و یا ارتقاء سرمایه انسانی به منافع قابل توجهی دست یافت، ولی همه این عوامل در نهایت دچار بازده نزولی می‌شوند [۱۶، ۲۲]. بنگاه‌ها باید برای باقی‌ماندن در عرصه رقابت با رقبای به دنبال طراحی و توسعه محصولات و فرایندهای جدید باشند. این امر مستلزم وجود محیطی است که در آن شرایط لازم برای فعالیت‌های نوآورانه فراهم بوده و بخش‌های خصوصی و عمومی از این امر حمایت کنند. هنگامی که در یک اقتصاد، نوآوری‌ها زیاد باشد، انتظار می‌رود که فعالیت‌های کارآفرینانه رو به رشد باشد. اگرچه دستاورد اصلی می‌تواند از طریق اصلاح عوامل نهادی، ساختن زیرساخت‌ها و ... حاصل شود اما در بلندمدت استاندارد زندگی می‌تواند تنها از طریق نوآوری در فناوری ارتقا یابد. نوآوری‌های فناورانه به‌صورت ویژه برای اقتصادهایی که دیگر نمی‌توانند از طریق ادغام و پذیرش فناوری‌های برون‌زا، بهره‌وری خود را

سالمن^۱ [۶۵] با استفاده از داده‌های پانل، به بررسی اثر عواملی مانند کارآفرینی، پژوهش و توسعه، واردات و تورم بر بهره‌وری کل عوامل تولید پرداخته و نتیجه گرفته است که کارآفرینی تأثیر فراوانی بر بهره‌وری و رشد اقتصادی دارد. وی فعالیت‌های کارآفرینی را کسب‌وکارهای جدیدی دانسته است که با نوآوری همراه هستند.

اکس^۲ [۶۶] سیاست‌های دولت در زمینه کارآفرینی و اثر آن بر رشد اقتصادی را مورد بررسی قرار داده است. وی، سیاست‌های متفاوتی برای کشورها با سطوح متفاوت توسعه‌یافتگی، به‌منظور ترویج کارآفرینی پیشنهاد شده است. در پژوهش مذکور، بهبود فضای مناسب در کشورهای در حال توسعه به‌منظور انجام فعالیت‌های کارآفرینانه توصیه شده و بهبود شرایط کسب‌وکار نیز در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مؤثر دانسته شده است.

همچنین، زهرا و دیان‌هانسن^۳ [۶۱] رابطه بین خصوصی‌سازی، کارآفرینی و رقابت‌پذیری جهانی را بررسی نمودند و نتیجه گرفتند که خصوصی‌سازی موجب افزایش فعالیت‌های کارآفرینانه و به دنبال آن این امر به افزایش رقابت‌پذیری منجر شده است. در حالی که استیگلیتز^۴ [۶۷] معتقد است خصوصی‌سازی در روسیه نه تنها موفقیتی کسب نکرده بلکه سبب ویرانی اقتصاد شده است. او در همین رابطه اشاره می‌کند که چین بدون خصوصی‌سازی با بهبود محیط کسب‌وکار و افزایش رقابت‌پذیری، سهم بخش خصوصی در اقتصاد را افزایش داده است.

در مقاله‌ای دیگر، اکس و آموروس^۵ [۶۸] رابطه بین پویایی‌های کارآفرینی و سطح رقابت‌پذیری در کشورهای آمریکای لاتین را بر پایه مدل مراحل توسعه اقتصادی تحلیل کردند. مشاهدات آن‌ها حاکی از آن است که این کشورها مسیرهای متفاوتی را در ارتباط با رقابت‌پذیری پیموده و بر این نکته تأکید کردند که مسیرهای متفاوت می‌تواند اثرات شرایط خاص رقابت‌پذیری را بر پویایی‌های کارآفرینی توضیح دهد.

در همین راستا، کروزیوید و تامینک^۶ [۶۹] با بررسی رابطه بین رقابت و کارآفرینی در نمونه‌ای از کشورهای اتحادیه اروپا، دریافتند که رابطه بین این دو متغیر مثبت است. همچنین تحلیل مقایسه‌ای نتایج نشان داد که کشورهای نوآوری‌محور در نمونه کشورهای مورد بررسی، دارای پیشرفت بالاتری در ارکان رقابت‌پذیری بوده‌اند که این امر در سطح بالای کارآفرینی و رشد اقتصادی این کشورها نمود یافته است.

کتابخانه‌ای، استفاده از مقالات و کتاب‌های موجود در زمینه ادبیات نظری و تجربی موجود است و همچنین به ادبیات نظری داده‌های ثانویه وابسته است، همچنین از داده‌های مشاهده‌ی شخصی استفاده می‌کند که می‌تواند به‌عنوان مشابه داده‌ی اولیه باشد. منابع مفید داده‌های ثانویه استفاده از کتب، انتشارات نشریات، مقالات روزنامه‌ها و مقالات علمی است.

۴- پیشینه پژوهش

در مطالعه‌ای پژوهش‌یافته و فقیه‌نصیری [۱]، با استفاده از یک الگوی رشد درون‌زا، اثر رقابت‌پذیری را بر رشد اقتصادی مورد بررسی قرار داده‌اند. در این مطالعه، ضمن معرفی سه شاخص رقابت‌پذیری کار، سرمایه و فناوری برای ۵۷ کشور جهان در دوره ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۳ و روش پانل دیتا، مدل رشد را با درج این شاخص‌ها برآزش کرده‌اند که نتایج بیانگر اثر مثبت رقابت‌پذیری بر رشد اقتصادی بوده است.

مطالعه شاه‌آبادی و صادقی [۲] به بررسی وضعیت شاخص کلی رقابت‌پذیری و همچنین مؤلفه‌های نیازهای اساسی و نوآوری محور اثرگذار بر رقابت‌پذیری در بین کشورهای عضو اوپک براساس گزارش رقابت‌پذیری جهانی ۲۰۱۰-۲۰۱۱ پرداختند. نتایج بیانگر آن است که وضعیت رقابت‌پذیری در بین کشورهای مورد بررسی چندان نامناسب نیست؛ اما توان رقابتی آنان وابستگی زیادی به زیرساخت‌ها و محیط کلان اقتصادی که خود تابع صادرات نفت و درآمدهای ارزی حاصل از آن هست، دارد. درعین حال وضعیت رقابت‌پذیری آنان از منظر مؤلفه‌های نوآوری نامناسب است؛ بنابراین این کشورها می‌بایست توان رقابتی را به سمت اتکا بر مؤلفه‌های نوآوری‌محور که قدرت انعطاف بیشتری داشته و ارزش‌افزوده بالاتری به دنبال دارد، سوق دهند.

در همین راستا، شهیکی‌تاش و همکاران [۳] با عنوان "بررسی عوامل تأثیرگذار بر شاخص رقابت‌پذیری کشورها با تأکید بر اقتصاد ایران"، به بررسی مؤلفه‌های کارایی بازار بر رقابت‌پذیری در میان کشورهای جهان و با تأکید بر اقتصاد ایران پرداخته‌اند. داده‌ها و اطلاعات مورد استفاده درخصوص ۱۶۸ کشور توسعه‌نیافته، در حال توسعه و توسعه‌یافته برای بازه‌ی زمانی (۲۰۱۱-۲۰۱۴) به کار رفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اجزای تشکیل‌دهنده شاخص رقابت‌پذیری اثر مثبت و معنی‌داری بر شاخص مورد مطالعه دارد.

علاوه بر این، بافنده ایماندوست و مفیدی [۴] در پژوهشی میزان تأثیر شاخص رقابت‌پذیری بر رشد اقتصادی را بررسی کرده است. به این منظور داده‌های ۴۲ کشور جهان در سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۰ به‌صورت پانل دیتا جمع‌آوری و مدل ارائه‌شده برآورد گردیده است. نتایج نشان داده که تأثیر امتیاز شاخص رقابت‌پذیری بر رشد اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته برگزیده مثبت و معنی‌دار بوده است.

1. Salman
2. Acs
3. Zahra and Dianne Hansen
4. Stiglitz
5. Acs and Amorós
6. Korez-Wide and Tominc

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به اهمیت رقابت‌پذیری در اقتصاد هر کشور و همچنین اهمیت فعالیت‌های کارآفرینی در ایجاد اشتغال و افزایش رشد اقتصادی، این مطالعه نیز با بررسی و پژوهش تأثیرات متقابل رقابت‌پذیری و کارآفرینی انجام گرفته است. بر پایه‌ی پیشینه‌ی تجربی و شواهد موجود در ادبیات که در آن مفهوم رقابت‌پذیری کشور و تأثیر هر کدام از ارکان رقابت‌پذیری بر رشد اقتصادی توضیح داده شد، می‌توان انتظار داشت که رشد اقتصادی و رشد رقابت‌پذیری اقتصاد ملی با یکدیگر رابطه‌ی مثبت دارند. مطالعه‌ی حاضر همچنین بر کارآفرینی و رشد اقتصادی تمرکز دارد. در مورد رابطه‌ی بین کارآفرینی و رقابت‌پذیری نیز در اقتصاد مباحثی وجود دارد. اخیراً نتایج مطالعات مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۵ نشان داده‌اند زمانی که رقابت‌پذیری اقتصادی افزایش یابد، نسبت‌های پایین‌تری از جمعیت در سن کار، دست به فعالیت‌های کارآفرینی می‌زنند. طبق گزارش‌های مجمع جهانی اقتصاد، چندین فرضیه برای توضیح این وضعیت وجود دارد: در اقتصادهایی با سطح رقابت‌پذیری بالا، تعداد بیشتری از فرصت‌های شغلی جذاب در مقایسه با اقتصادهای کم‌تر رقابتی وجود دارد که هزینه‌های فرصت را برای شروع کسب‌وکار در اقتصادهای رقابتی‌تر افزایش می‌دهد. همچنین سطح بالای مهارت برای شروع کسب‌وکار لازم است که بتواند در محیط بازار بسیار رقابتی، رقابت کند و موانع ورود کارآفرینان جدید را در اقتصادهای بسیار رقابتی افزایش دهد [۷۰].

کارآفرینی نقش مهمی در اقتصاد ملی ایفا می‌کند، به طوری که یکی از موتورهای اصلی رشد اقتصادی بوده است و سهم مهمی در ایجاد مشاغل و نوآوری‌های جدید دارد. شناخت گسترده از نقش کارآفرینی با هدف افزایش کارآفرینی و حمایت از بقا و رشد کسب‌وکارهای جدید صورت گرفته و به شکل‌گیری بسیاری از سیاست‌های منطقه‌ای یا دولتی منجر شده است [۷۱، ۷۲]. از طرفی افراد هر کشور نیاز به انگیزه برای سرمایه‌گذاری و موفقیت دارند و همان‌گونه که ساختارهای انگیزشی تغییر می‌کند، فعالیت‌های تجاری بیشتری به سمت کارآفرینی مولد انجام می‌شود که منجر به تقویت رشد و توسعه اقتصادی می‌شود [۷۳]. با توجه به تعامل رقابت‌پذیری با کارآفرینی، در این مطالعه نشان داده شد که ساختار انگیزشی یک کشور و افراد آن می‌تواند از بعد رقابتی و اقتصادی فراهم گردد. کارآفرینی در شرایط مناسب و توسعه با ایجاد کسب‌وکارهای جدید و در واقع ایجاد شغل و افزایش رقابت و بهره‌وری بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت دارد، اما با این حال در مراحل توسعه‌نیافتگی و یا رشد اقتصادی پایین ظرفیت‌ها و فرصت‌های مناسب برای کارآفرینی وجود دارد، لذا در این مطالعه با درک این موضوع به بررسی تأثیرات متقابل ارکان رقابت‌پذیری (که در سه مرحله توسعه تقسیم شده‌اند) بر کارآفرینی پرداختیم تا اینکه بتوان از کارآفرینی در شرایط مختلف از لحاظ توسعه و متناسب با هر رکن رقابت بهره برد که در نتیجه هم موجب بهره‌وری و هم موجب رشد اقتصادی بیشتر می‌گردد.

با بهره‌گیری از این پژوهش، رقابت‌پذیری می‌تواند به‌عنوان شاخصی برای فعالیت‌های کارآفرینی در داخل کشور استفاده گردد و یکی از عوامل رشد اقتصادی باشد. از حوزه‌ی اجتماعی، نیز این مطالعه می‌تواند به دولت‌ها کمک کند که کدام جنبه‌ها از سیاست برای فرصت‌های کارآفرینی مطلوب است و چه عواملی کارآفرینان را تشویق می‌کند تا در یک اقتصاد رشد کنند. همچنین برای کارآفرینان، این مطالعه از اهمیت برخوردار است زیرا نشان می‌دهد که کدام جنبه‌ها در اقتصاد مهم جلوه می‌کند و باید به سمت کدام یک از نواقص در ابعاد اقتصادی و ارکان رقابت‌پذیری گرایش پیدا نمایند. همچنین با استفاده از این دانش، آن‌ها می‌توانند درک خود را از اقتصاد جهانی افزایش دهند و از فرصت‌های بیشتری در کشورهای با مراحل مختلف توسعه و سطح رقابت بهره ببرند. با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادهایی به‌صورت زیر مطرح می‌گردد:

- یکی از اهداف نهایی سیاست‌ها در هر اقتصاد، رسیدن به رشد پایدار است. لذا برای رسیدن به این هدف، پیشنهاد می‌گردد که دولت‌ها با سیاست‌گذاری مناسب بتوانند بر عواملی مانند محیط کسب‌وکار، زیرساخت‌های فیزیکی و زیرساخت‌های آموزشی به‌صورت مستقیم تأثیرگذار باشند و نهایتاً عملکرد رقابت‌پذیری کشور را تحت تأثیر قرار دهند و در نتیجه بر عملکرد کسب‌وکارها، بهره‌وری، قیمت‌ها و هزینه‌ها و عرضه نیروی کار اثرگذار باشند.

- کشورها می‌توانند برای نمونه با افزایش قدرت خود از طریق قدرت‌های نهادی، فرصت‌ها و شرایط جذابی برای کارآفرینان ایجاد کنند. آن‌ها می‌توانند در آموزش عالی سرمایه‌گذاری کنند تا نیروی کار تحصیل کرده و کارآفرین بهتری را تعلیم و آموزش دهند. با سرمایه‌گذاری در آموزش عالی و نهادها، به‌طور بالقوه آمادگی‌های فناورانه افزایش خواهد یافت. برای افزایش اندازه بازار، کشورهای زیادی وجود ندارند که بتوانند در آینده به ارائه یک محیط سرمایه‌گذاری جذاب کمک کنند. زمانی که آن‌ها یک محیط سرمایه‌گذاری جذاب ایجاد کرده‌اند، سرمایه‌گذاری‌های بیشتر در نهایت به بازار بزرگ‌تر و رشد اقتصادی افزوده مبدل خواهد شد.

از مطالعات و بررسی‌های آتی در این زمینه می‌توان به بررسی رقابت‌پذیری کشورها در سطح شرکت، با ترکیب ارزش‌های کارآفرینانه شرکت‌ها با شاخص‌های رقابت‌پذیری اشاره کرد و اینکه که کدام یک از ارکان برای ایجاد ارزش‌های سازمانی مهم است. همچنین تعاریف متفاوت کارآفرینی و نحوه‌ی اندازه‌گیری آن می‌تواند منجر به نتایج متفاوتی در مورد اینکه کدام رکن‌ها مؤثرتر از دیگری است، گردد.

۴- مراجع

- ۱- پژوهش، جمشید؛ فقیه نصیری، مرجان. اثر رقابت‌پذیری بر رشد اقتصادی، با رویکرد الگوی رشد درون‌زا، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۳۸، صص ۹۷-۱۳۲، ۱۳۸۸.
- ۲- شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ صادقی، حامد. ارزیابی وضعیت رقابت‌پذیری کشورهای عضو اوپک؛ با تأکید بر مؤلفه‌های نوآوری‌محور، مجله رشد فناوری، شماره ۲۹، صص ۳-۱۵، ۱۳۹۰.

- ۲۷- Miller, T., Kim, A., & Holmes, K. R. Index of economic freedom. Washington, DC: The Heritage Foundation, 2014.
- ۲۸- Soto, H. The Mystery of Capital: Why Capitalism Triumphs in the West and Fails Everywhere Else. New York: Basic Books, 2000.
- ۲۹- Verheul, I., Wennekers, S., Audretsch, D., & Thurik, R. An eclectic theory of entrepreneurship: policies, institutions and culture. In Entrepreneurship: Determinants and policy in a European-US comparison, Springer US, pp. 11-81, 2002.
- ۳۰- Aschauer, D. A. Is Public Expenditure Productive?. Journal of Monetary Economics, 23(2), pp. 117-200, 1989.
- ۳۱- Cohen, B., & Winn, M. I. Market imperfections, opportunity and sustainable entrepreneurship. Journal of Business Venturing, 22(1), pp. 29-49, 2007.
- ۳۲- Calderon, C., & Serven, L. The effects of infrastructure development on growth and income distribution (World Bank Policy Research Working Paper No. 3400). Washington, DC: World Bank, 2004.
- ۳۳- Goodfriend, M. How the world achieved consensus on monetary policy. Journal of Economic Perspectives, 21(4), pp. 47-68, 2007.
- ۳۴- Leydesdorff, L., Meyer, M., 2006. Triple Helix indicators of knowledge-based innovation systems: introduction to the special issue. Research Policy 35 (10), 1441-1449.
- ۳۵- Fischer, S. The Role of Macroeconomic Factors in Growth. Journal of Monetary Economics, 32(3), pp. 485-512, 1993.
- ۳۶- Sachs, J. Macroeconomics and Health: Investing in Health for Economic Development: Report of the Commission on Macroeconomics and Health. Geneva: World Health Org, 2001.
- ۳۷- Temple, J. Inflation and growth: Stories short and tall. Journal of Economic Surveys, 14(4), pp. 395-426, 2000.
- ۳۸- Krueger, A., & Lindahl, M. Education for growth: Why and for whom? Journal of Economic Literature, 39(4), pp. 1101-1136, 2001.
- ۳۹- Van Praag, C. M. Some classic views on entrepreneurship. De Economist, 147(3), pp. 311-335, 1999.
- ۴۰- Schultz, T. W. Restoring economic equilibrium: human capital in the modernizing economy. Oxford: Blackwell, 1961.
- ۴۱- Lucas, R. E. On the Mechanics of Economic Development. Journal of Monetary Economics, 22(1), pp. 3-42, 1988.
- ۴۲- Becker, G. S. Human Capital: A Theoretical and Empirical Analysis, with Special Reference to Education, 3rd edition. Chicago: University of Chicago Press, 2008.
- ۴۳- Reynolds, P. D., Hay, M., & Camp, S. M. Global entrepreneurship monitor, 1999.
- ۴۴- Branstetter, L., Lima, M., Lowell, J. T., & Venancio, A. Do entry regulations deter entrepreneurship and job creation? Evidence from recent reforms in Portugal (NBER Working Paper No. 16473). Cambridge, NY: National Bureau of Economic Research, 2010.
- ۴۵- Naudé, W. Entrepreneurship, developing countries, and development economics: new approaches and insights. Small business economics, 34(1), 1-12, 2010.
- ۴۶- Dejardin, Marcus. Cross-sectoral effects of retailing firm demographics, 42nd Congress of the European Regional Science Association: "From Industry to Advanced Services - Perspectives of European Metropolitan Regions", August 27th - 31st, 2002, Dortmund, Germany, 2002.
- ۴۷- King, R. G., & Levine, R. Finance and growth: Schumpeter might be right. The quarterly journal of economics, 108(3), pp. 717-737, 1993.
- ۴۸- Alesina, A., E. Spolaore, & R. Enrico. "Trade, Growth and the Size of Countries." In P. Aghion and S. Durlauf, eds., Handbook of Economic Growth, 1st edition, 1, pp. 1499- 1542, 2005.
- ۴۹- Baldwin, J., & Gu, W. Competition, Firm Turnover and Productivity Growth. Statistics Canada, Analytical Studies Branch, 2003.
- ۳- شهیکی تاش، محمد نبی؛ محمودپور، کامران؛ محسنی، حدیثه. بررسی عوامل تأثیرگذار بر شاخص رقابت‌پذیری کشورها با تأکید بر اقتصاد ایران، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، شماره ۱۱، صص ۱۵۵-۱۸۸، ۱۳۹۴.
- ۴- بافنده ایمان‌دوست؛ صادقی، مفیدی، علی. سنجش تأثیر شاخص رقابت‌پذیری GCI بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته برگزیده، مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، شماره ۱۲، صص ۶۵-۹۵، ۱۳۹۵.
- 5- Wennekers, S., and Thurik, R. Linking entrepreneurship and economic growth. Small business economics, 13(1), 27-56, 1999.
- 6- Ajtath, A., & Momaya, K. Competitiveness of Firms: Review of Theory, Frameworks and Models, 26(1), 45-61, 2004.
- 7- Acs, Z. J., & Stough, R. R. Public policy in an entrepreneurial economy: creating the conditions for business growth (Vol. 17). Springer Science & Business Media, 2008.
- 8- Wong, P. K., Ho, Y. P., & Autio, E. Entrepreneurship, innovation and economic growth: Evidence from GEM data. Small business economics, 24(3), pp. 335-350, 2005.
- 9- Wennekers, S.; van Stel, A.; Thurik, R.; Reynolds, P. Nascent Entrepreneurship and the Level of Economic Development. Small Bus. Econ. 2005, 24, 293-309.
- 10- Nit,u-Antonie, R.D.; Feder, E.S.; Munteanu, V.P. Macroeconomic Effects of Entrepreneurship from an International Perspective. Sustainability 2017, 9, 1159.
- 11- Krugman, P. Competitiveness: a dangerous obsession. Foreign affairs, pp. 28-44, 1994.
- 12- Porter, M.E. The competitive advantage of nations. New York, NY: Macmillian, 1990.
- 13- Martin, M.A.G., Picazo, M.T.M. and Navarro, J.L.A. Entrepreneurship, income distribution and economic growth. International entrepreneurship and management journal, 6(2), pp. 131-141, 2010.
- 14- Romer, P. M. Endogenous technological change. Journal of political Economy, 98(5, Part 2), S71-S102, 1990.
- 15- Grossman, G. & E. Helpman. Innovation and Growth in the World Economy. Cambridge, MA: MIT Press. Chapters 3 and 4, 1991.
- 16- Aghion, P., & Howitt, P. A model of growth through creative destruction (No. w3223). National Bureau of Economic Research, 1992.
- 17- Baumol, W. J. Formal entrepreneurship theory in economics: Existence and bounds. Journal of business venturing, 8(3), pp. 197-210, 1993.
- 18- Holcombe R. G. Entrepreneurship and economic growth, Quarterly journal of Austrian economics, 1(2), pp. 45-62, 1988.
- 19- Van Stel, A. Carree, M. Thurik, R. The effect of entrepreneurship on national economic growth: an analysis using the GEM database. Max Planck institute for Research into Economic Systems Entrepreneurship, Growth and Public Policy, 2005.
- 20- Fritsch, M. How Does New Business Formation Affect Regional Development? Theory, Empirical Evidence and Research Questions, Small Business Economics 30 (1), pp. 1-14, 2008.
- 21- OECD, Employment Outlook, Paris, France, 1996.
- 22- World Economic Forum. The Global Competitiveness Index 2014-2015: Accelerating a Robust Recovery to Create Productive Jobs and Support Inclusive Growth. Geneva, 2014.
- 23- Easterly W. & R. Levine. Africa's Growth Tragedy: Policies and Ethnic Divisions. Quarterly Journal of Economics CXII: pp. 1203-1250, 1997.
- 24- Sala-i-Martin, X. & A. Subramanian. Addressing the Natural Resources Curse: An Illustration from Nigeria. NBER Working Paper No. 9804. Cambridge, 2003.
- 25- North, D. C. Institutions and economic growth: An historical introduction. World Development, 17(9), pp. 1319-1332, 1989.
- 26- Rodrik, D., Subramanian, A., & Trebbi, F. Institutions rule: The primacy of institutions over geography and integration in economic development. Mimeo: Harvard University, 2002.

- 50- Dollar, D., & Kraay, A. Institutions, trade and growth. *Journal of Monetary Economics*, 50 (1), pp. 133–158, 2003.
- 51- Branstetter, L. Is foreign direct investment a channel of knowledge spillovers? Evidence from Japan's FDI in the United States. *Journal of International Economics*, 68(2), pp. 325–344, 2006.
- 52- Barro, R. J., & Sala-i-Martin, X. *Economic Growth*, (Vol. 1), MIT Press Books, 2003.
- 53- Almeida, R., & P. Carneiro, "Enforcement of Labor Regulation and Firm Size". *Journal of Comparative Economics*, 37 (1), 28–46, 2009.
- 54- Kaplan, D. Job Creation and Labor Reform in Latin America. *Journal of Comparative Economics*, 37(1), pp. 91–105, 2009.
- 55- Gilbert, B.A., McDougall, P.P., & Audretsch, D.B. Clusters, knowledge spillovers and new venture performance: an empirical examination. *Journal of Business Venturing*, 23(4), pp. 405-422, 2008.
- 56- Aghion, P., Bloom, N., Blundell, R., Griffith, R., & Howitt, P. Competition and innovation: An inverted U relationship. *The Quarterly Journal of Economics*, 120(2), pp. 701-728, 2005.
- 57- Krugman, P. Scale economies, product differentiation, and the pattern of trade. *The American Economic Review*, 70(5), pp. 950-959, 1980.
- 58- Sato, Y., Tabuchi, T., & Yamamoto, K. Market size and entrepreneurship. *Journal of Economic Geography*, 12(6), pp. 1139-1166, 2012.
- 59- Schumpeter, J. *Capitalism, Socialism and Democracy*. New York: Harper & Row, 1942.
- 60- World Economic Forum, world risk Report, worldBank, 2013.
- 61- Zahra, S. A., & Dianne Hansen, C. Privatization, entrepreneurship, and global competitiveness in the 21st century. *Competitiveness Review: An International Business Journal*, 10(1), pp. 83-103, 2000.
- 62- Drucker, P. *Innovation and entrepreneurship*. Routledge, 2014.
- 63- Huggins, R., and Thompson, P. *Entrepreneurship, innovation and regional growth: a network theory*. *Small Business Economics*, 45(1), 103-128, 2015.
- 64- Spithoven, A, Vanhaverbeke, W, and Roijackers, N. Open innovation practices in SMEs and large enterprises. *Small Business Economics*, 41(3), 537–562, 2013.
- 65- Salman, D.M. Mediating role of research and development on entrepreneurial activities and growth: Evidence from cross-country data. *WJEMSD 2014*, 10, 300–313.
- 66- Acs, Z. J. How is Entrepreneurship good for Economic Growth?. *Inovations*, Winter, 97-106, 2006.
- 67- Stiglitz, J. Whither reform. In Keynote address for the Annual Bank Conference on Development Economics, Washington, DC: World Bank, 1999
- 68- Acs, Z. J., & Amorós, J. E. Entrepreneurship and competitiveness dynamics in Latin America. *Small Business Economics*, 31(3), pp. 305-322, 2008.
- 69- Korez-Vide, R., & Tominc, P. Competitiveness, Entrepreneurship and Economic Growth. In *Competitiveness of CEE Economies and Businesses*, pp. 25-44, 2016.
- 70- World Economic Forum. *Leveraging entrepreneurial ambition and innovation: A global perspective on entrepreneurship, competitiveness and development*. Geneva: World Economic Forum, 2015.
- 71- European Commission. *Entrepreneurship 2020 Action Plan, Reigniting the Entrepreneurial Spirit in Europe*; COM (2012) 795 Final; European Commission: Brussels, Belgium, 2013.
- 72- Nuta, A.C.; Arifon, D.; Nuta, F.M. Social and economic cohesion in Romania for sustainable development in the context of anti crisis policies. *Rev. Econ.* 2011, 2, 488–494.
- 73- Acemoglu, D., & Johnson, S. Unbundling institutions. *Journal of Political Economy*, 113(5), 949-995, 2005.